



۱۴) نه سیدعلی حسینی از جمله [در] کتابی به نام (طرح کلی اندیشه‌ای اسلامی در قرآن) همین کار را کرد. «گزارشگر ساواک معتقد است که آیت‌آخمانه‌ای در این سخنرانی ها به تشریح اصول انقلابی قرآن و به طور کتابیه در لفاظ به تشییق و تحریک مردم و به پایداری

ادر پیرا بر احتلافات طبقی می پردازد. به اعتقداد او در پس این نشست هاسازماندهی دیگری وجود دارد که این جوانان را تبدیل به گلوهله های آشیان می کند. "جلسات مسجد امام حسن (ع) به این نحو بگزار می شد که قبلاً خلاصه درس را استاد می نوشتند، پلی کپی و تکثیر می شد و قلی از درس در همان جایه افاده عرضه می شد. افرادی که دوست داشتند، جلویشان می گذاشتند و درس راهنم گوش می کردند. بعد از آن صحبت های تبدیل به کتاب شد. کتابی نه فقط برای دوران دهه پنجه شمسی بلکه برای استفاده هم انسان دغدغه مندانقلابی که به دنبال فرقان درست انتقلابی در جامعه است. استاد سید علی خامنه ای در مقدمه این کتاب با تأکید بر این آسیب که مباحث مطرح شده از سوی محققان اسلامی تاکنون عموماً کاربرید نبوه است اشاره می کنند که "طرح اسلام به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان ها، یکی از فوری ترین ضرورت های تفکر مذهبی ریختن کنند. روزی که این پیام وارد فضای مکه شد، فرمود: «قولوا للاله لا إله إلا هو»، کسی اگر اهل انصاف نیز بود، به خود جرأت نمیداد که احتمال بددهد این حرف یک روز پروخواهد شد؛ چون اصلًا زمینه ای وجود نداشت. آن همه بت با عظمت بر دیوارهای کعبه آویخته، پشتawanه بتهها آن اشراف مکه و خانواده های قدرمند با نفوذ که «الله الٰ...» همه اینها را به هم میزد؛ پشت سر اینها، حکومتهای مقندر ساسانی و امپراتوری روم، مگر کسی به خود جرأت نمیداد روهه اول ببیدرد که این پیام، قابل طرح و تعقیب است؟! انسانهای ضعیف، از ممین حاعقب نشینی میکنند. اما وظیفه و رسالت و بعثت، پیغمبر را جلو آورد. بعثت یعنی برانگیختگی و این بعثت امداد فضارا اول در محیط حجاز، بعد در همه دنیا متمدن آن روز، در ظرف بیست و چند سال تغییر داد. هنوز نیم قرن از ظهور اسلام و اصل بعثت نکدشته بود که بیش از نیمی از دنیا متمدن تحت تأثیر اسلام قرار گرفت. ● ۸۱/۷/۱۳

ریختن کند... روزی که این پیام وارد فضای مکه شد، فرمود: «قولوا لاله‌ااا... تقلحوا». کسی اگر اهل انصاف نیز بود، به خود جرأت نمیداد که احتمال بدهد این حرف یک روز پیروز خواهد شد؛ چون اصلًاً مسنهای وجود نداشت. آن همه پت با عظمت بر دیوارهای کعبه اویخته؛ پشوانه بتها، تعصبهای عمیق جاهلی؛ آن اشرف مکه و خانواده‌های قادر متمند و با نفوذ که «لاله‌ااا...» همه اینها را به هم میزد؛ پشت سر اینها، حکومتهای مقتدر ساسانی و امپراتوری روم. مگر کسی به خود جرأت میداد در وهله اول ببیندیرد که این پیام، قابل طرح و تغییب است!؟ انسانهای ضعیف، از همین حاقدنشینی میکنند. اما وظیفه رسالت و بعثت، پیغمبر را جلو آورد. بعثت یعنی برانگیختگی و این بعثت امداد فضاراً اول در محیط حجاز، بعد در همه دنیای متمدن آن روز، در ظرف بیست و چند سال تغییر داد. هنوز نیم قرن از تپه‌های اسلام و اصل بعثت نگذشته بود که بیش از نیمی از دنیای متمدن تحت تأثیر اسلام قرار گرفت. ● ۸۱/۷/۱۳

جهانیتی که در زمان ظهور اسلام، زندگی مرد زیر فشار قرار داده بود، جاهلیت فراغیری بود آن روز، فتنه‌های طاقت‌فرسای انسان، در مناطقی که محیط به منطقه عربستان بود، و داشت. علم هم بود، تمدن هم - به فراخور زدن خودشان - بود، نظم و ترتیب حکومتهای سلطنتی تشریفات هم بود، انبساطهای ناشی از قدرت مطلقه هم آن کشورها وجود داشت؛ اما آنچه نبود، نور انسانی فضیلت بود. آنچه نبود، درست همان چیزی بود که بشناسی آن نیاز قطعی دارد؛ یعنی محیط فضیلت انسانی، مح رحم و مروت و محیط عدالت... بعثت اسلامی، در مق همه اینها ظهور و طلوع کرد. این بعثت، مخصوص مجموعه نبود؛ متعلق به همه بشر بود: «ان هو الا للعالمين». پیغمبر توانست در مقابل آن واقعیت بایستد و آن را درگیر گون کند. پیغمبر توانست در دیواره بی عدالتی و نابسامانی بشری، شکافهای عصی به وجود آورد؛ بعضی از آنها را فروزید و بعضی از آنها را آماده

سوم شعبان، روز پاسدار  
مهمنت از نام پاسدار  
روحیه پاسداری است

بد است که ما با  
نام پاسدار، کسی  
رادا شته باشیم که  
آنچه در ذهنش  
نمیگذرد، پاسداری از  
اسلام باشد و برایش  
مسایل شخصی و  
خودی مطرح باشد.

مهمتر از نام پاسدار، عنوان واقعی و زی روحیه‌ی پاسداری است. بد است که ما با نام پاسدار، کسی را داشته باشیم که آنچه در ذهنش نمیگذرد، پاسداری از اسلام باشد و برایش مسائل شخصی و خودی مطرح باشد. اینها ارزشی ندارد. این طور آدمی، اصل نبودنش بهتر از بودن است. باید مسائل انقلاب اسلامی - همان چیزی که شمامیگویید پاسدار آن هستیم - محور باشد. اصل قضیه، این است. هر چه هستید، سعی کنید که این طور باشید. سعی کنید که دیگران را هم پاسدار کنید. سعی کنید که روحیه‌ی پاسداری را در دیگران هم بدمید. نگارید با اعمال یک فرد، نام پاسداری مخدوش بشود. ● ۶۹/۱۰/۱

عزیزان من! را بخطه خودتان را باخدا، هرچه میتوانید  
مستحکم تر کنید... دعا و توهجه شما، ذکر خدا در  
دلهاي پاک و نوراني شما جوانان عزيز، معجزه ها و  
کارها ميكنند... در تمام عمرتان را بخطه با خدا،  
شما صفا و اخلاص را نقطوت ميکنند و صفا و  
اخلاص، گره گشای همه کارهاست. من امام بزرگوار  
را حالمان که معلم و امام و محبوب سیستانیان کشون، بلکه  
محبوب همه انسانهای پاکنهادی بود که دل آستان در هر  
نقطه دنیا، به یاد یک معنویت و حقیقتی می‌تپید، مثالی  
برای شما زبانم، عزیزان من! امام، آن کاری که کرد و-  
عظیمترین کاری بود که مادر زمان معاصر و نزدیک  
خودمان سراغ داریم - به برکت اخلاص بود؛ اخلاص! اگر  
اخلاص نبود، شخصیت عظیم و جوهر مستحکم امام هم  
برای این کارهارا پیش ببرد، کافی نبود. ●  
۷۶/۹/۵

ما غافل بودیم؛ ملت‌های مسلمان در خواب!  
هندرسون معیوب سازمان ملل، از تبعات جنگ جهانی دوم

دنباله‌ی همین  
جنگها بود که  
زاده‌ی خطروانک  
مهلک صهیونیستی  
در قلب دنیای اسلام  
به وجود آمد

اشاره: جنگ جهانی دوم مصادف با ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۴ شمسی بایان یافت. طرفین این جنگ دو بلوک متحده‌بین‌المللی و ایتالیا و راین (انگلیس و فرانسه و آمریکا و شوروی) بودند. این جنگ بین قدرتهای مستکبر دنیا بود ولی تبعات سوء‌زیادی در آسیا و آفریقا داشت و میلیون‌ها کشته و مجرم بر جای گذاشت. جنگ‌های بین‌المللی که بین قدرتهای مستکبر عالم واقع شد، از اروپا شروع شد؛ استعمار گران عالم به جان هم افتادند، اما ملت‌های مسلمان را، ملت‌های این منطقه، را در گیر تبعات و مشکلات این جنگ‌ها قرار دادند. دنباله‌ی همین جنگ‌ها بود که زانده‌ی خطرناک مهلهک صهیونیستی در منطقه‌ی حساس ما، میان کشورهای اسلامی و در قلب دنیا ای اسلام‌آباد بوجود آمد. به دنبال همین جنگ‌ها بود که بنای غلط و هندسه‌ی معوب سازمان ملل و شورای امنیت دولتهای دارای حقوق و تو شکل گرفت. یعنی همان دسته‌ها و سرنجه‌های خوبینی که آن جنگ‌های مهلهک را به راه انداختند، به دنبال آن خواستند اختیار دنیارا به دست بگیرند... ما غالباً بودند؛ ملت‌های مسلمان در خواب بودند؛ به آنها هجوم آورده شد؛ سرنوشت آنها مشکلات پیچیده و عظیمی که هنوز در گیر آن مشکلاتند، در آیینه‌شده. ● ۹۱/۵/۲۹

## استعمار زبانی یا زبان استعمار

(۱) مک کرام سعی کرد که از دو بعد به این پرسش، جواب بددهد. او نویسد زبان فقط و سیلولاهای ضروری برای برقراری ارتباط نیست؛ بلکه خواسته‌های مردم هر عصر را نیز مطرح می‌کند و تمايل آنها به یاردهای جدید و کلمات جدید را نشان می‌دهد. بعضی هامونی گویند زبان ذاتاً پدیده‌ای خشنی است؛ اما اگر بگوییم که زبان انگلیسی وضعیتی کاملاً متفاوت داشته، اصلاح‌آفرق نکرده‌ایم.

"زبان" را می‌توان یکی از پایه‌های اصلی هر فرهنگ و تمدنی تلقی کرد. بنابراین انتقال زبان از کشوری به کشور دیگر، به معنای "انتقال فرهنگ" به آن کشور است. «لان آموزش زبان انگلیسی - بالخصوص زبان انگلیسی». خلی رواج پیدا کرده، آموزشگاه‌های فراوانی به وجود می‌آورند... همه‌ی کتاب‌های آموزش کششی هم باشوه‌های جدید و خوبی این کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی تدوین شده، منتقل کننده‌ی سبک زندگی غربی است، سبک زندگی انگلیسی است. خب این بچه‌ی ما، این نوجوان ما و جوان ما [كه] این رامی خواند، فقط زبان یاد نمی‌گیرید؛ حتی ممکن است آن زبان یادش برود، اما آنچه بیشتر در او اثر می‌گذارد آن تاثیر انتظامی است [كه] بر اثر خواندن این کتاب از سبک زندگی غربی در وجود آید و وجود

9

در شبے قاره  
هند، زبان فارس  
چند قرن زیا  
رسمی بود؛ تم  
نوشتگات، مکان  
دستگاه‌های  
حکومتی، دول  
مردم، دانشور

## شخصیت‌ها

فارسی انجا  
می گرفت.  
اذگلیس ها آمد  
زبان فارسی  
با زور در هن  
ممتوغ کردند،  
انگلیسی را را  
که

#**هویت\_مستقل\_ملی\_و\_دینی** | اولین چیزی که باید در جوان و نوجوان رشد و پرورش داشته باشد، این است که در محیط بین المللی، شان و جایگاه و هویت خودمان را گم کرده بودیم. اتفاقی که مملکت ایران، را به ملت ایران برگرداند. «سلمانی مانه نته با ایرانی بون مادر تر ممکن یکدیگر و منطبق بر هم است.»<sup>۷۰/۸/۸</sup> اول چیزی که لازم است برای دانش آموز خودمان این است که در او هویت مستقل ملی و دینی به وجود بیاوریم... هویت مستقل و بعارت. جوان بیاوریم که دنبال سیاست مستقل باشد، دنبال اقتصاد مستقل باشد، دنبال فرهنگ مستقل باشد، رُکون به دیگران، اعتنای به دیگران و تکیه به دیگران در وجود و به عنوان یک روحیه رشد نکند... هویت بود؛ آن وقت اقتصاد مقاومتی معنا پیدا میکند... فرهنگ مستقل معنا پیدا میکند...»<sup>۷۱/۲/۱۳</sup>